نقد نظر
شماره چهارم
دی ۱۴۰۴
۶

نقد و بررسی کتاب
آیا منظر ....؟ مقالاتی در باب ماهیت منظر

رضا کسروی
دکتری معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران.

چکیده
کتاب آیا منظر...؟ جستارهایی دربارۀ ماهیت منظر به‌ویراستاری گرت دوهرتی و چارلز والدهایم، مجموعه‌ای میان‌رشته‌ای از مقالات است که به پرسش بنیادین «منظر چیست؟» می‌پردازد، بی آن‌که پاسخی نهایی عرضه کند. ساختار کتاب بر محور ۱۴ پرسش سامان یافته و هر فصل به دست نویسنده‌ای از حوزه‌هایی چون فلسفه، تاریخ، اکولوژی، فناوری و طراحی نگاشته شده است. این رویکرد پرسش‌محور، ضمن گشودن افق‌های تازه برای تفکر انتقادی، موجب پراکندگی مفهومی و نبود پیوستگی نظری میان فصل‌ها نیز می‌شود. افزون بر این، کتاب با چرخشی از مباحث کلاسیک شهرسازی منظرگرا به تأملات فلسفی و فرهنگی، به بازاندیشی نسبت میان طراحی، اندیشه و تجربه زیسته فضا می‌پردازد. فصل‌هایی چون «آیا منظر ادبیات است؟» و «آیا منظر فلسفه است؟» نشان می‌دهند که منظر نه صرفاً عینیتی فیزیکی، بلکه عرصه‌ای زبانی، زمانی و تجربی برای درک جهان است. نقد حاضر ضمن تمجید از نوآوری در ساختار و غنای میان‌رشته‌ای اثر، ضعف آن را در فقدان انسجام نظری و کاربردپذیری عملی می‌بیند. در بستر آموزش معماری منظر ایران، این اثر زیرساختی نظری برای گذار از رویکرد مهارت‌محور به تفکرمحور فراهم می‌آورد و تأکید می‌کند که منظر بیش از آن‌که محصولی طراحی‌شده باشد، شیوه‌ای برای اندیشیدن دربارۀ فضا، فرهنگ و زمان است.

واژگان کلیدی: منظر، بازنمایی، میان رشته‌ای، برساخت فرهنگی

DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.4.1
Email :Reza.kasravi@ut.ac.ir
نشریه مکتب نقدنظر، ۱ (۴): ۱۱-۶ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-10-05]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.4.1]

آیا منظر صرفاً فضایی برای تماشا است، یا شیوه‌ای برای اندیشیدن و فهم جهان؟

مقدمه

کتاب «آیا منظر...؟» (Waldheim & Doherty, 2016) تلاشی منسجم و در عین‌حال گسسته برای مواجهه با یکی از بنیادی‌ترین و قدیمی‌ترین مفاهیم حوزهٔ طراحی، یعنی «منظر» است. این کتاب مجموعه‌ای از مقالات چند نویسنده‌ای است که هر یک از زاویه‌ای متفاوت به چیستی و ماهیت منظر می‌پردازند، و در مجموع، نوعی گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای میان فلسفه، طراحی، علوم انسانی و اکولوژی را سازمان می‌دهند. پرسش مرکزی اثر «منظر چیست؟» نه برای رسیدن به تعریفی نهایی، بلکه برای گشودن میدان پرسش‌گری و بازاندیشی مداوم دربارهٔ جایگاه منظر در تفکر معاصر مطرح شده است.

ویرایش‌گران کتاب، گرت دوهرتی و چارلز والدهایم، هر دو از چهره‌های برجسته و نظریه‌پردازان شناخته‌شده معماری منظر در دانشگاه هاروارد، دانسته از ارائهٔ یک تعریف واحد از منظر خودداری کرده‌اند. آن‌ها با طراحی ساختاری مبتنی بر پرسش، مجموعه‌ای از مقالات را سامان داده‌اند که به شکلی آزاد و تکثرگرا، امکان طرح پرسش‌های فلسفی، تاریخی، و زیبایی‌شناختی دربارهٔ این مفهوم را فراهم می‌کند. همانگونه که در مقدمهٔ کتاب آمده، هدف آن‌ها ایجاد فضایی برای گفت‌وگوی انتقادی میان حوزه‌های طراحی و نظریه است؛ جایی که منظر نه صرفاً نتیجه یک عمل طراحی، بلکه خود به منزلهٔ روشی برای اندیشیدن و درک رابطهٔ انسان با محیط تعریف می‌شود. در این چارچوب، کتاب منظر را از حدود سنتی‌اش فراتر می‌برد و به پرسش‌هایی بنیادین در باب ماهیت ادراک، معنا و تجربه زیسته در فضا وارد می‌شود. فصل‌های کتاب، از «آیا منظر ادبیات است؟» تا «آیا منظر فلسفه است؟»، هر یک با زبانی خاص و رویکردی متفاوت، ابعاد گوناگون این مسئله را کاوش می‌کنند. برای مثال، در فصل‌های نخست، منظر همچون ساختاری روایی و زبانی شناخته می‌شود؛ در میانهٔ کتاب، منظر به بستر تاریخ، فناوری و زیرساخت پیوند می‌خورد؛ و در فصول پایانی، منظر به سطح تفکر فلسفی و زیست‌جهان انسانی ارتقاء پیدا می‌کند.

از دیدگاه محسن مصطفوی در پیش‌گفتار کتاب، این مجموعه را می‌توان «پاسخی انتقادی» به پرسش کلاسیک امبرتو اکو تحت عنوان آیا منظر معماری است؟ دانست. همین ارتباط نشان می‌دهد که رویکرد کتاب پاسخی ساده به چیستی منظر نیست، بلکه تلاشی است برای سنجش دوباره رابطه میان طراحی و اندیشه؛ میان کارکرد فیزیکی و تجربهٔ معنایی فضا.

ساختار و مسیر استدلالی: پرسش‌محوری به‌عنوان راهبرد

کتاب ساختاری کاملاً مشخص دارد که آن را از سایر مجموعه مقالات متمایز می‌سازد. ساختار بر محور ۱۴ پرسش نظم یافته که پاسخ هر کدام به یکی از نویسندگان برجسته سپرده

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-10-05]

[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.4.1]

شده است. این ساختار پرسش‌محور، بزرگ‌ترین نقطهٔ قوت اثر است. اتخاذ چنین رویکردی خواننده را ملزم می‌کند تا از تعاریف از پیش تعیین‌شده فاصله گرفته و هر بار، منظر را از دریچهٔ جدیدی مشاهده کند و کتاب را به ابزاری آموزشی برای طرح پرسش‌های اساسی در محیط‌های آکادمیک بدل می‌سازد. این رویکرد پرسش‌محور دو لبه دارد. از سویی قوت کتاب در «بازگذاشتن پرسش‌ها و پرهیز از پاسخ‌های قطعی» است که پتانسیل گسترش بحث را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، گستردگی آن گاهی منجر به فقدان یک مسیر استدلالی منسجم بین فصل‌ها می‌شود. خواننده پس از مطالعه فصل مربوط به منظر به مثابه فناوری، وارد بحث‌های فلسفی یا تاریخی می‌شود که ارتباط منطقی بین آن‌ها کمتر از یک نظریهٔ واحد است.

در همین راستا، تنوع رشته‌ای نویسندگان گرچه گامی روشن‌گرانه در تبیین مفهوم منظر است، اما «فقدان هم‌گرایی نظری» باعث شده که کتاب بیان‌گر یک نظریهٔ جامع و یکپارچه در باب هویت منظر نباشد. برای مثال، هم‌نشینی رویکرد مهندسی منظر با رویکرد پدیدارشناسی و جابه‌جایی ناگهانی از ادبیات تخصصی محسن مصطفوی به بحث‌های اکولوژیک، نیاز به یک پیش‌زمینهٔ ذهنی قوی از سوی خواننده دارد. این تفاوت‌ها باعث شده کتاب محل تلاقی رویکردهای گوناگون باشد؛ هر فصل نه تنها بر ماهیت هستی‌شناسانه متفاوتی از منظر تأکید دارد، بلکه راهبرد معرفت‌شناسی ویژه‌ای را برای شناخت و بررسی آن در پیش می‌گیرد.

ساختار پرسش‌محور کتاب موجب شده است هر فصل با پیش‌زمینهٔ نظری متفاوتی به سراغ مفهوم منظر برود: از موضع هستی‌شناسی، برخی فصل‌ها منظر را به مثابه یک شیء یا واقعیت بیرونی (مثل فصل‌های «آیا منظر معماری است؟»، «آیا منظر زیرساخت است؟»)، یعنی یک ماهیت بیرونی، فیزیکی و قابل مشاهده تعریف می‌کنند. در مقابل، فصل‌هایی مانند «آیا منظر فلسفه است؟» یا «آیا منظر زندگی است؟» با رویکردی پدیدارشناسانه و ذهنی، منظر را به مثابه تجربه زیسته، احساس، اراده یا ادراک شخصی انسان تلقی می‌کنند؛ طبیعت منظر در این نگاه امری متغیر و وابسته به ذهن و فرهنگ دانسته می‌شود. به لحاظ معرفت‌شناسی بخش‌هایی که بر فناوری، اکولوژی یا معماری تمرکز دارند، اغلب بر روش‌های علمی، سنجش‌پذیر و تجربی برای شناخت منظر تکیه دارند (رویکرد کمی و ابژکتیو). اما فصل‌های نظری‌تر، همچون «آیا منظر فلسفه است؟» یا «آیا منظر تئوری است؟»، شناخت منظر را مبنا بر تأملات ذهنی، استدلال فلسفی یا تفسیر فرهنگی و هنری می‌گذارند.

در فصل «آیا منظر فلسفه است؟» دوگانهٔ کلاسیک عینی و ذهنی عمداً به چالش کشیده می‌شود و نویسنده سعی دارد نشان دهد که این دو در تجربهٔ منظر قابل تفکیک نیستند. درواقع، منظر نه صرفاً چیزی است که «آن بیرون» وجود دارد و می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد، نه صرفاً «در ذهن» ماست که با معنا و حس شکل می‌گیرد؛ بلکه نتیجهٔ تعامل پیوستهٔ این دو است.

نویسنده با رویکرد پدیدارشناسانه اشاره می‌کند که تجربهٔ منظر همیشه در «میان» عین و ذهن اتفاق می‌افتد. مثلاً وقتی فردی در فضای باز قدم می‌زند، عناصر فیزیکی محیط (نور، فرم، بافت زمین، رنگ‌ها) با

کتاب «آیا منظر...؟» اثری راه‌گشا برای هر پژوهش‌گر یا طراح است که در مرزهای میان طراحی، محیط‌زیست و نظریه فضا فعالیت می‌کند. در ایران، آموزش معماری منظر همواره با چالش‌های تعریف علمی و حرفه‌ای در تقاطع رشته‌هایی چون کشاورزی و طراحی فضای سبز مواجه بوده است. این کتاب، با رویکردی نظری و فلسفی، دقیقاً شکاف موجود را آشکار می‌سازد.

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-10-05]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.4.1]

حـالات درونـی او (احسـاس، خاطـره، انتظـار و حتـی پیش‌دانسـته‌های فرهنگـی) درمی‌آمیزنـد تـا چیـزی کـه «منظـر» نامیـده می‌شـود پدیـد آیـد.
در میـان فصل‌هـای کتـاب، دو فصـل «آیـا منظـر ادبیـات اسـت؟» (گـرت دوهرتـی) و «آیـا منظـر تاریـخ اسـت؟» (جـان دیکسـون هانـت) بیـش از دیگـر بخش‌هـا سـاز وکار درونـی تبدیـل «منظـر» بـه ابـزار اندیشـیدن و روایـت را آشـکار می‌کننـد. فرآینـد درونـی‌ای کـه در آن منظـر از یـک امـر فیزیکـی و دیـداری، بـه وسـیله‌ای مفهومـی تبدیـل می‌شـود کـه انسـان از طریـق آن فکـر می‌کنـد، معنـا می‌سـازد، تجربـه را روایـت می‌کنـد و جهـان را در قالـب زبـان یـا فضـا تنظیـم می‌کنـد. دوهرتـی در فصـل نخسـت، از ادبیـات به‌عنـوان قلمـرو شـکل‌گیری منظـر ذهنـی سـخن می‌گویـد. او بـا ارجـاع بـه توصیف‌هـای مکانـی در آثـار کلاسـیک و معاصـر و بـا ریشـه‌یابی در سـنت‌های پدیدارشناسـی، نشـان می‌دهـد کـه زبـان و تخیـل ادبـی همـان کارکـردی را دارد کـه طراحـی در فضاهـای واقعـی دارد: خلـق تجربـه و معنـا از طریـق نشـانه‌های زمانـی و فضایـی. در نـگاه او، هـر متـن ادبـی نوعـی «منظـر نوشـتاری» می‌سـازد کـه خواننـده در آن حرکـت می‌کنـد؛ بنابرایـن منظـر نـه بازتـاب طبیعـت بلکـه نوعـی عمـل فرهنگـی زایـش معناسـت.
در مقابـل، هانـت در فصـل «آیـا منظـر تاریـخ اسـت؟» بـا بهره‌گیـری از سـه مثـال (بوت شـومون در پاریـس، پـارک ون والکنبـرگ در نیویـورک، و بـاغ دامیـای برنـارد لاسـوس)، تاریـخ را نـه روایـت گذشـته بلکـه سـاخت زمـان در فضـا می‌دانـد. وی نشـان می‌دهـد کـه منظـر بـا لایه‌گـذاری زمانـی، گذشـته را بـه حـال و آینـده پیونـد می‌زنـد؛ پـس تاریـخ در منظـر، فرآینـد فعـال بازسـازی حافظـه اسـت نـه بازنمایـی صـرف.
ایـن دو فصـل در کنـار هـم محـور اندیشـه کتـاب را ملمـوس می‌کننـد: منظـر نـه فقـط عرصـه‌ای فیزیکـی، کـه نظامـی زبانـی و زمانـی اسـت کـه از طریـق روایـت و تجربـه، بازتولیـد می‌شـود. چنیـن تطبیـق میـان منظـر و نوشـتار، یـا منظـر و تاریـخ، نشـان می‌دهـد کـه کتـاب از سـطح نظـری بـه تجربـهٔ حقیقـی اندیشـیدن در بسـتر فضـا می‌رسـد.

جایگاه کتاب در گفتمان منظر معاصر

از نـگاه محتوایـی و رویکـرد ویراسـتاران کتـاب، ایـن کتـاب در دل گفتمـان اوایـل قـرن جدیـد میـلادی شـکل گرفتـه اسـت، زمانـی کـه مباحـث شهرسـازی منظرگـرا[1] و سـپس گرایش‌هـای شهرسـازی اکولوژیکـی[2] به‌طـور جـدی وارد بحث‌هـای دانشـگاهی و حرفـه‌ای شـده بودنـد. بـا ایـن حـال، ایـن کتـاب در نسـبت بـا آن‌هـا نـه کامـلاً ادامـه دهنـده اسـت و نـه صرفـاً منتقد؛ بلکـه موضعـی بازاندیشـانه و پرسـش‌گرانه نسـبت بـه هـر دو اتخـاذ می‌کنـد. در فضـای فکـری پـس از شـکل‌گیری شهرسـازی منظرگـرا کـه والدهایـم خـود یکـی از پایه‌گذارانـش بـود، منظـر به‌عنـوان چارچوبـی مفهومـی بـرای درک شـهر، زیرسـاخت، و فرآیندهـای فضایـی در مقیـاس کلان مطـرح شـد. امـا در «آیـا منظـر...؟»، همیـن نـگاه دوبـاره زیـر ذره‌بیـن مـی‌رود.
کتـاب بـه طـور خـاص در مقدمـه ویراسـتاران، فصـل هشـتم «آیـا منظـر زیرسـاخت اسـت؟»، فصـل نهـم «آیـا منظـر فنـاوری اسـت؟» (نیـال کرکـوود) و فصـل دوازدهـم «آیـا منظـر فلسـفه اسـت؟» (کاتریـن مـور) تأکیـد می‌کنـد کـه اگـر منظـر اکنـون زبـان مشـترک طراحـی شـهری، برنامه‌ریـزی و بوم‌شناسـی شـده، آیـا چیـزی از اصالـت فرهنگـی، احساسـی و فلسـفی‌اش را از دسـت نـداده اسـت؟ کتـاب تـلاش می‌کنـد تـا محدودیت‌هـای مفاهیـم شهرسـازی منظرگـرا و طراحـی اکولوژیکـی را آشـکار سـازد.

1. Landscape Urbanism

2. Ecological Urbanism

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-10-05]

[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.4.1]

کتـاب در اصـل از دل همـان جریـان برآمـده، امـا نـگاه انتقـادی دارد. والدهایـم کـه در آثـار پیشـین‌اش منظر را بسـتر اصلـی شهرسـازی می‌دانسـت، در اینجـا از یـک دیـدگاه چندصـدا و غیرقطعـی دفـاع می‌کنـد. هـر فصـل به‌نحـوی نشـان می‌دهـد کـه ایـدۀ «منظـر به‌مثابـه زیرسـاخت» یـا «منظـر به‌مثابـه نظـام شـهری» نمی‌توانـد کل حقیقـت مفهـوم منظـر را توضیـح دهـد. بنابرایـن، اثـرِ به‌نوعـی گسسـت از ضعـف اندیشـۀ شهرسـازی منظرگـرا اسـت؛ یعنـی از آن مرحلـه‌ای کـه منظـر صرفاً بـه زبـان پروژه‌هـای فنـی و طراحـی شـهری تقلیـل یافتـه بـود. اگـر خواننـده در پـی درک ایـن تحـول باشـد، ایـن کتـاب در نقطـه‌ای ایسـتاده اسـت کـه گفتمـان معاصـر از «چگونگـی سـاخت فضـا» بـه «چـرا و بـا چه معنایـی سـاختن» گـذر می‌کند، یعنـی لحظـۀ بازاندیشـی بنیادهـای خـود منظـر در تاریـخ اندیشـه طراحـی.

جمع‌بندی

کتـاب «آیـا منظـر...؟» اثـری راه‌گشـا بـرای هـر پژوهش‌گـر یـا طـراح اسـت کـه در مرزهـای میـان طراحـی، محیط‌زیسـت و نظریـۀ فضـا فعالیـت می‌کنـد. در ایـران، آمـوزش معمـاری منظـر همـواره بـا چالش‌هـای تعریـف علمـی و حرفـه‌ای در تقاطـع رشـته‌هایی چـون کشـاورزی و طراحـی فضـای سـبز مواجه بوده اسـت. ایـن کتـاب، بـا رویکـردی نظـری و فلسـفی، دقیقاً شـکاف موجـود را آشـکار می‌سـازد:

منظـر نـه قابـل فروکاسـتن بـه «فضـای سـبز» اسـت و نـه تـا زمانـی کـه صرفاً «عرصـه‌ای بـرای طراحـی» تلقـی شـود، به‌درسـتی فهـم می‌شـود؛ بلکـه بایـد آن را بـه مثابـه شـیوه‌ای بـرای اندیشـیدن دربـارۀ فضـا، فرهنـگ و زمـان دیـد. از ایـن منظـر، کتـاب می‌توانـد چارچوبـی فلسـفی و نظـری بـرای بازتعریـف مفهـوم منظـر در آمـوزش معمـاری منظـر ایـران فراهـم آورد؛ یعنـی گـذار از دانـش مهارت‌محـور بـه دانـش تفکرمحور.

نقد این اثر را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه کرد:

۱. نـوآوری در رویکـرد: نقطـه قـوت عمـدۀ کتـاب در اسـتفاده از سـاختار پرسـش‌محور اسـت؛ پرسشـی کـه امـکان شـکل‌گیری چارچوبـی انعطاف‌پذیـر بـرای تفکـر انتقـادی دربـارۀ منظـر را فراهـم می‌کنـد. ایـن روش خواننـده را بـه تأمـل و بازاندیشـی وا مـی‌دارد، امـا در مـواردی موجـب می‌شـود برخـی فصل‌هـا تنهـا بـه توصیـف نمونه‌هـا بسـنده کننـد و از عمـق تحلیـل نظـری فاصلـه بگیرنـد.

۲. میان‌رشـته‌ای بـودن: حضـور نویسـندگانی از حوزه‌هـای متنوعـی چـون فلسـفه، تاریـخ، مهندسـی و اکولـوژی، بـه کتـاب غنایـی بینارشـته‌ای بخشـیده اسـت؛ دیدگاه‌هایـی کـه خواننـده را از تعریف‌هـای محـدود و سـنتیِ منظـر فراتـر می‌برنـد. بـا ایـن حـال، تنـوع دیدگاه‌هـا در غیـاب یـک چارچـوب نظـری منسـجم، بـه پراکندگـی مفهومـی منجـر شـده و کارکـرد کتـاب را به‌عنـوان منبـع نظـری جامـع تـا حـدی محـدود می‌کنـد.

۳. کاربردپذیـری علمـی و عملـی: کتـاب در ارائـۀ نمونه‌هـای طراحـی و تأمـلات نظـری مرتبـط بـا مسـائل زیسـت محیطـی، از جملـه سـلامت منظـر و برنامه‌ریـزی اکولوژیـک، موفـق عمـل کـرده اسـت. بـا ایـن حـال، نبـود دسـتورالعمل‌های اجرایـی و معیارهـای کمـی بـرای انتقـال ایده‌هـا بـه پروژه‌هـای واقعـی، نقطه‌ضعفـی اسـت کـه ممکـن اسـت بـرای طراحـان حرفـه‌ای و سیاسـت‌گذاران ملمـوس باشـد.

در مجمـوع، «آیـا منظـر...؟» اثـری نـه بـرای ارائـۀ پاسـخ‌های قطعـی، بلکـه بـرای گشـودن افق‌هـای تـازه پرسـش اسـت. ایـن اثـر زمینه‌سـاز شـکل‌گیری تفکـر انتقـادی دربـاره «ماهیـت منظـر» اسـت

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-10-05]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.4.1]

و امـکان آغـاز گفت‌وگـو میـان رویکردهـای متفـاوت را فراهـم می‌کنـد. بـرای دسـتیابی بـه نظریـه‌ای منسـجم‌تر، مطالعـه آن بایـد در کنـار متونـی قـرار گیـرد کـه بـر همگرایـی و ترکیـب دیدگاه‌هـای متضـاد تمرکـز دارنـد.

بـا وجـود ایـن، کتـاب بـرای گشـایش ذهـن نسـبت بـه گسـتردگی و چندوجهـی بـودن مفهـوم «منظر» منبعـی ارزشـمند اسـت. ایـن اثـر یـادآور می‌شـود کـه منظـر نـه یـک «محصـول»، بلکـه روشـی بـرای اندیشـیدن اسـت؛ روشـی کـه می‌کوشـد میـان علـم، فلسـفه و تجربـهٔ زیسـته، زبانـی مشـترک و پویـا بیابد.

پی‌نوشت

مشخصات کتاب «آیا منظر» :

۱. عنوان: آیا منظر...؟ جستارهایی دربارهٔ ماهیت منظر (Is Landscape...? Essays on the Identity of Landscape)

۲. ویرایش‌گران: گرت دوهرتی (Gareth Doherty) و چارلز والدهایم (Charles Waldheim)

۳. نویسندگان: چارلز والدهایم، پیر بلانژه، نینا ماری لیستر، ریچل زد دِلو، ویتوریا دی‌پالما، جان دیکسون هانت، رابین کلسی، نیال کرکوود، دیوید لدبارو، کاترین مور، محسن مصطفوی، فردریک اشتاینر، کاترین وارد تامپسون، اودو وایلاخر.

۴. محل نشر: انتشارات Routledge

۵. مترجمان: سید پارسا اخوت، شقایق باقرزاده خداشهری، زهرا برزوئیان، هما بکرائی، امیرحسین پرستار حرمی، مهدی چادگانی‌پور، محمدرضا حمیدی فرد، مریم شیخ الاسلام، فاطمه صفری سفیدمزگی، حوریا کیهان آرا، مهرنوش مصطفوی، محمد نصرالله زاده مهرآبادی، طهورا هراتیان زیر نظر رضا کسروی

۶. انتشار ترجمه: انتشارات پژوهشکدهٔ نظر

۷. سال انتشار: نسخه اصلی ۲۰۱۶، نسخه فارسی ۱۴۰۴

۸. تعداد صفحات: ۳۹۲

منابع

- Waldheim, C., & Doherty, G. (Eds.). (2016). *Is Landscape*...? Routledge

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained bye the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/version4/)

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-10-05]

[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.4.1]